

۲۵۱۴۲۱۸

بحران هویت کشورهای عربی در کشاکش جنگ سرد

دفتر نخست: زبان به مثابه هویت

مؤلف

دکتر مختار الغوث

مترجمان

قاسم عزیزی مراد

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

امیرمهلی یوسفی

سرشناسه :	الغوث، مختار، ۱۹۶۳- م.
عنوان قراردادی :	الحرب الباردة على الكينونة العربية. فارسی
عنوان و نام پدیدآور :	بحران هویت کشورهای عربی در کشاکش جنگ سرد/مؤلف مختار الغوث؛ مترجمان قاسم عزیزی مراد، امیرمهدی یوسفی.
مشخصات نشر :	تهران: ایشثار، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری :	ج. ۶
شابک :	۷-۰۰-۴۹۳۵-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی :	فیبا
یادداشت :	کتابنامه
مندرجات :	ج. ۱. زبان به مثابه هویت
موضوع :	هویت گروهی -- کشورهای عربی Group identity -- Arab countries زبان و فرهنگ -- کشورهای عربی Language and culture -- Arab countries جنگ سرد Cold War
شناسه افزوده :	عزیزی مراد، قاسم، ۱۳۶۹ - مترجم
شناسه افزوده :	یوسفی، امیرمهدی، ۱۳۷۹ - مترجم
رده بندی کنگره :	HM۷۵۳
	[P۵/۳۵]
رده بندی دیویی :	۳۰۵/۸۰۹۷۴۹۲۷
شماره ثبت ملی :	۹۸۱۰۲۰۶
اطلاعات رکود کتابخانه :	فیبا

ایشتار

بمزان هویت کشورهای عربی در کشاکش جنگ سرد

نویسنده: دکتر مختار الغوث	مترجم: قاسم عزیزی مراد / امیرمهدی یوسفی
نشر: ایشثار	نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳
تیراژ: ۱۰۰ نسخه	طراح جلد: مهدیه سعدی
	صفحه آرا: زهرا استواری

سایت: ishtaar.ir

اینستاگرام: ishtarpublishation

ایمیل: ishtarpublishation@gmail.com

تلفن: ۰۹۰۲۱۱۳۵۹۷۶ تلگرام: ۰۹۰۲۱۱۳۵۹۷۶

شابک: ۷-۰۰-۴۹۳۵-۶۲۲-۹۷۸

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات ایشثار است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه مترجمان خ

مقدمه مؤلف ش

فصل اول: هویت ۱

فصل دوم: زبان ۲۱

فصل سوم: بیان فرهنگی ۳۱

فصل چهارم: زبان به مثابه هویت ۵۹

فصل پنجم: ملتها را تکمیل هویت ۱۱۵

فهرست منابع و مراجع ۱۸۳

www.ketab.ir

مقدمه مترجمان

زبان، عنوان هویت و تجلی آشکار آن است و عنصری بنیادی از عناصر ماهیت آن به شمار می رود. خواه این هویت ملی، دینی یا نوع دیگری باشد. رابطه زبان و هویت ذاتی و اصیل است؛ چرا که هویت بر پایه ی عناصر متعددی بنا شده و دارای ارکان مشخصی است که زبان از مهم ترین و پیشگام ترین آنها به شمار می رود. زبان، ابزار ارتباط و آگاهی و همچنین وسیله ای برای بیان سایر عناصری است که شاخصه های این دیگر هویت را آشکار و تفسیر می کند. به عنوان مثال، دین، تاریخ، فرهنگ، ادب و رسوم و سرنوشت مشترک از ارکان هویت هستند و ما نمی توانیم بدون زبان آنها را بیان کنیم؛ زیرا که زبان، ترجمان معانی و قالبی بدیع برای آنهاست.

زبان به طور عمیقی با هویت ارتباط دارد؛ چون زبان شاکله وجود انسان و جوهر هویت اوست. دست کشیدن از زبان ما به معنای تهی شدن ملت ها، دلیل اصلی از دست رفتن تمدن انسانی خاص آنها و نابودی هویت فرهنگی شان است. می توان زبان را، نخستین خط دفاع از هویت یک ملت و همچنین سپر محافظ شاخصه های هویتی تمدن های گوناگون دانست.

در میان ملل پیشرفته و متمدن، زبان دارای جایگاهی ملی و حاکمیتی است که به هیچ وجه نباید به آن خدشه وارد شود. زبان در چارچوب امنیت ملی و قومی مردمی که به لحاظ زبانی، تاریخی و تمدنی به یکدیگر پیوسته اند، قرار می گیرد. حفظ و مراقبت از آن در این حالت به یک وظیفه ملی در راستای صلح و سلامت مردم و حفظ تمایز و هویت منحصر به فرد آنها تبدیل می شود و زمانی که زبان به گذشته ی مردم مرتبط باشد و آنها را در جامه ای با ابعاد عمیق و گسترده بیوشاند، به یک وظیفه ی میهنی مبدل می گردد.

زبان به طور ذاتی، مؤلفه های وابستگی را در خود جای داده و آنها را خلاصه می کند و ابزار بیان وابستگی و زبان گویای مؤلفه های تشکیل دهنده هویت است. هویت با زبان آشکار و با آن خلاصه می شود. به همین دلیل، بسیاری از سخنرانان رسمی در مجامع بین المللی سیاسی یا فرهنگی یا غیره، بر استفاده از زبان خود پافشاری می کنند، حتی اگر به زبان انگلیسی به عنوان اولین زبان جهانی مسلط باشند. اما آنها نه تنها ترجیح می دهند که از زبان مادری خود استفاده کنند، بلکه بر آن اصرار دارند تا احساس تعلق خود را به هویت ملی شان نشان دهند و برای ترجمه سخنان خود از مترجمان همزمان مستقر در کابین ها استفاده می کنند.

برخی کشورها به طور رسمی از سفرا و مسئولان خود از جمله رؤسا و وزرا می خواهند که در مراسم و اجلاس های بین المللی به غیر از زبان مادری خود صحبت نکنند. این نشان دهنده ارزش و اهتمام آنها به زبانشان و اذعان صریح به اینکه زبان اولین عنصر برای آنان هویت و اصالت آنهاست.

اما برخی از علاقه مندان به مسائل زبان معتقدند که هویت عربی به دلیل عدم توجه کافی به زبان در خطر است. ضعف زبان به معنای ضعف در احساس تعلق خاطر است و به نسل ها احساس دنباله رایی از بیگانگان و تمجید از هویت و زبان آن ها و پذیرش افکار و فرهنگشان در طول زمان القا می کند. در نتیجه، ویژگی های هویت مبهم می شود و احساس تعلق خاطر به هویت غبارآلود می شود.

دکتر «عیسی برهومة» باور دارد که زبان برخی از اقوام و ملل را بالا می برد و برخی دیگر را تنزل می دهد. ارتباط این پدیده با فرهنگ عمیقاً ارگانیک است و هویت، زبان و فرهنگ را به ستون فقرات ملت ها تشبیه می کند. اگر یکی از استخوان ها ضعیف شود، دیگر استخوان ها نیز فرو می ریزند.

او به اختلاف موجود بین صاحب نظران مسائل زبان و هویت و رابطه بین آن دو اشاره می کند و می گوید که این صاحب نظران به دو دسته تقسیم می شوند: یک دسته محافظه کار هستند که معتقدند باید از اصول هویتی نخستین پایبند

باشیم و آن را پرورش دهیم و زنده نگه داریم. دسته دیگر معتقدند که چنین انسجامی با چرخه تکامل و پیشرفت مغایرت دارد.

اما در میان حفظ اصالت زبان عربی و حرکت به سمت نوآوری، می‌توان راه میانه‌ای یافت. این امر مستلزم پذیرش دستاوردهای مفید و غنی‌ساز از زبان‌های دیگر بدون خدشه‌دار کردن هویت و اهمیت زبان عربی است. زبان، قالب فرهنگی ملت‌هاست و پذیرش فرهنگ‌های دیگر، اصالت و عمق ریشه‌های آن را نشان می‌دهد. همچنین انعطاف‌پذیری و توانایی زبان در تعامل با فرهنگ‌های دیگر را بدور تسلیم شدن در برابر سلطه آن‌ها به اثبات می‌رساند.

هنگامی که ملت‌ها رو به افول می‌روند و سلامت روان و عاطفی مردم به چالش کشیده می‌شود، نسبت از فرهنگ‌های دیگر و از دست دادن تمایز هویتی رخ می‌دهد. این امر نیاز به جهانی‌شدن و تسلیم شدن در برابر آن آشکار می‌شود. همانطور که در بسیاری از کشورهای جهان سوم شاهد آن بوده‌ایم. به عنوان نمونه ایالات متحده آمریکا، نه فرهنگ خود را بر این کشورها تحمیل و آنها را دنباله‌رو و ضعیف کرده است.

در عصر جهانی شدن، باید با جدیت با واقعیت زبان عربی برخورد کرد. گسترش کلیشه‌های مربوط به عقب‌ماندگی زبان عربی در برابر زبان‌های خارجی به عنوان زبان‌های توانمندتر در زمینه مفاهیم علمی و فنی، خطرناک و دارای پیامدهای منفی است. این امر می‌تواند جایگاه زبان عربی را به مراتب پایین‌تری تنزل دهد و منجر به یأس و ناامیدی از هویت عربی شود.

تا زمانی که عرب‌زبانان در تلاش برای حفظ ارزش‌گذاری و مراقبت از اجزای هویت خود باشند، هویت عربی در خطر نخواهد بود. آشنایی با فرهنگ و اجزای هویت دیگران و تعیین میزان نزدیکی و تفاوت آنها، نشان‌دهنده آگاهی عمیق از معنای هویت و تعلق خاطر است که این امر دوری از تسلیم شدن در برابر سلطه و توهم برتری دیگران و همچنین دوری از احساس ناتوانی در رسیدن به آنها و اعتقاد به عدم امکان پیشی گرفتن و برتری بر آنها را به دنبال دارد.

دکتر برهومه در گفته های خود بر این تأکید می کند که باید بین ثابت و متغیر در جزئیات عناصر هویت تمایز قائل شد؛ زیرا زبان یک مشخصه فرهنگی غیرقابل تغییر است و تمدن حاصل انباشت دانش و فرهنگ ملت ها است. کما اینکه حفظ ارکان هویتی و اقدام برای به کارگیری امکانات موجود برای توسعه و بهبود زندگی واقعی ضروری است. محیط های عربی که زبان عربی را در واقعیت روزمره خود به کار نمی برند، در وابستگی تمدنی و هویت مستحکم خود تهدید می شوند. چگونه است که در برخی جوامع عربی جز بقایای اندکی از زبان عربی چیزی نمی شنویم و اصطلاحات غربی در بازار، خیابان، محل کار و خانه حاکم است.

این فرایند برای همه کسانی است که در موسسات فعال در کشورهای عربی که اصطلاحات غربی در آنها مسلط است، کار می کنند تا برای وضع سیاست ها و قوانین در زمینه های آموزش و پرورش و رسانه ها تلاش کنند که زبان عربی را رواج دهند و احساس غرور را در سایه شکست روانی که نسل ها را درگیر می کند، با آن تکیه کنند.

این یکی از راه های حفظ موج دیت عربی است. زیرا عقب نشینی زبان عربی از جوامع عربی می زدايد و عقب نشینی از آن معنایی جز این ندارد که اگر به خودمان نیاییم، باید خود را برای قهقرای تمدن عربی آماده کنیم.

زبان عربی که همراه با موج اسلام که از شبه جزیره عربستان آغاز شد، زبان بسیاری از مردم را که اسلام را به عنوان دین و عربی را به عنوان زبان خود برگزیده بودند، تحت تاثیر قرار داد و آنها به طور شگفت انگیزی روان به آن صحبت می کردند. این امر توانست در غنی سازی میراث عربی در زمینه های مختلف زندگی از جمله پزشکی، داروسازی، ریاضیات، شیمی و نجوم سهیم شود. البته کار به همین جا ختم نمی شود و در ادبیات، زبان و نحو نیز سهم بسزایی داشت. زبان عربی در اوج خود توانست میراث ملل باستان از جمله ایرانیان، یونانیان، سریانی ها و غیره را جذب کند و آن را به بشریت به گونه ای مطلوب

ارائه دهد و بر اندیشه و تمدن بشری در زمینه های مختلف علوم محض و کاربردی تأثیر بگذارد.

از سوی دیگر، زبان عربی ثابت کرد که قادر به جذب تمام فرهنگ های جهان است؛ به گونه ای که در اواخر قرن دوازدهم میلادی به زبان علم و تمدن تبدیل شد و علم به مدت بیش از هشت قرن به زبان عربی ارائه می شد. دانشمندان اروپا برای یادگیری آن و ترجمه میراث علمی آن به زبان لاتین در دوره ای که به عصر تاریکی اروپا معروف است، پیش قدم شدند.

از بین مردم غیر عرب کسانی ظهور کردند که این زبان را در شعر و نثر و تألیف و همه ادب ها و هنرها غنی ساختند. جای تعجب نیست که بزرگترین دانشمند عربی پیش از زبان فارسی است.

بی شک زبان، انباشته میراث هر یک به مثابه گذشته، حال و آینده هستند. زبان عربی در حال حاضر با آفت های متعددی از جمله استفاده از زبان عامیانه به ویژه در رسانه مواجه است. این آفت ریشه دار است که به راحتی از بین نمی رود و زبان عامیانه حتی بر زبان آسمان و اساتید دانشگاه ها غلبه کرده است. درست برخلاف گذشته که معلمان مدارس ابتدایی فقط به زبان عربی فصیح درس می دادند.

در این کتاب مولف شده تا ارکان هویت و فرساخت زبانی را در سایه زبان بررسی کند و به نتایجی مطلوب دست یابد. لذا امید می رود تا این اثر راهگشای پژوهش های آینده باشد. ضمن اینکه هم اکنون در حال ترجمه سایر دفترهای این مجموعه هستیم تا شاید گامی موثر در پیشبرد آشنایی مردم و دغدغه مندان این حوزه معرفتی برداریم.

مترجمان

مقدمه مؤلف

کتاب حاضر نخستین بخش از مجموعه ای ۶ جلدی است که به چالش های زبان عربی در عصر کنونی می پردازد. بی شک پیوندهای زبانی بین مردم کشورهای متعدد، جایگاه زبان ها به عنوان کلید ورود به ساحت اندیشه بشری، آشنایی با معانی و کشف گنجینه تاریخی، فرهنگی و علمی ملل گوناگون و شناخت هویت این ها انگیزه بالایی برای تالیف این مجموعه ایجاد کرد. در حقیقت این کتاب، خود نشان خواهد داد که اگر هویت، احساسات و اندیشه یک ملت نادیده گرفته نشود به زودی این ملت نیز مانند هویتشان نابود خواهند شد، هر چند که همچنان در معرض هستی حضور داشته باشند. اما با این حال موضوع تعجب برانگیز، غفلت عرب ها از زبان مادری خود و حتی تحقیر و خیانت کردن به زبان عربی و رایش به فرا گرفتن سایر زبان ها است. دو مسئله سیاست و ایدئولوژی یادگیری زبان های خارجی را اقتضا می کند؛ چرا که امروزه زبان علم منحصر به زبان های اروپایی بوده و افراد در حال حاضر نمی توانند با تکیه بر زبان عربی بدون یادگیری سایر زبان ها به موقعیت ها و پیشرفت های علمی دست یابند. با این وجود همه هم معتقدند که این زبان در سراسر جهان بی نظیر بوده و با تمام دشمنی ها و منفعت طلبی ها و سیاست ها توانسته خود را به جایگاه والایی برساند. یکی از ویژگی های ملل مغلوب هم این است که با عدم اهتمام به زبان و فرهنگ و هویت خود به خواری و شکست دچار شدند و بدتر از آن، دگرگونی های فرهنگی و زبانی است که پس از این موضوع رخ می دهد و یک ملت مغلوب آن را شرطی برای بهبودی و رهایی از وضع موجود خویش می بیند. نکته جالب توجه دیگر تلاش های خستگی ناپذیر و مکر دشمنان زبان و هویت عربی برای به حاشیه

راندن این زبان از عرصه زندگی و نابودی هویت عرب است. دشمنان می کوشند تا با بریدن پیوندهای مودت و جلوگیری از پیشرفت و استقلال ملل عرب زبان و ممانعت از برقراری ارتباط میان این ملل با میراث خویش و مرگ مفاهیم فرهنگی آن ها راهی برای نفوذ پیدا کنند. این موضوع می تواند باعث بیداری عزت و غیرت در عرب ها شود تا از زیر سایه دشمنان خارج شوند و مجبور نباشند تا به میل کسانی عمل کنند که چیزی جز اطاعت مطلق از زیردستان خود نمی خواهند. همچنین مشاهده می کنیم که دشمنان نه تنها سعی می کنند این زبان را برای اهل آن زشت و نامطلوب جلوه دهند بلکه از هیچ کوششی برای متهم کردن عربی به ناکارآمدی و بی کفایتی در ذهن مخاطبان خود در سراسر جهان دریغ نمی کنند و تمام اشتباهات و نقص ها و زشتی ها را متوجه این زبان ساخته اند. این موضوع تا حدی پیچیده و بغرنج شده که عده ای آن را به عنوان یکی از امور مسلم پذیرفته اند. زبان عربی را به چشم یک «دیو ترسناک» می بینند. حتی از یادگیری این زبان متنفر و خجالت زده هستند و قصد یادگیری زبان هایی را دارند که امروزه با نام زبان علم و ثروت شناخته می شود و در زندگی روزمره کاربرد فراوان دارد. دشمنان می خواهند این زبان مانند سایر زبان های شرقی مهجور محدود به عبادتگاه ها و مراسم های دانشگاهی محض شود که یاد گرفتن آن فقط برای اهالی علم مفید است و ندانستش هیچ ایرادی نخواهد داشت. همچنین شاهد هستیم که چگونه مشکلات به این زبان هجوم آورده اند و مردم مسلمان اعم از عرب و عجم که زمانی به سرعت از آن افتخار می کردند هم اکنون تشویق می شوند تا در خدمت جبهه مخالف زبان عربی باشند. دقیقاً همان کسانی که روزی با آموزش و یاد گرفتن زبان عربی به خداوند نزدیک می شدند و آن را میان مردم ترویج و حتی بر زبان مادری خود برتری می دادند و از دیدگاه آنان سایر زبان ها در مرتبه بعدی قرار داشت؛ هم اکنون دیدگاه متفاوتی پیدا کرده اند. دشمنان به اهل زبان عربی و علاقه مندان آن چنین القا کرده اند که هرگونه بها دادن به این زبان باعث نابودی هویت آن ها خواهد شد و ورود این زبان به کشورشان به همراه اسلام می تواند نوعی تجاوز و

ظلم و استعمار تلقی شود. بنابراین تلاش می کنند تا با تخصیص اموال فراوان مانع از گسترش این زبان شده و زبان عامیانه را در رسانه ها و مراکز آموزشی جایگزین عربی فصیح کنند تا در نهایت این زبان از صحنه زندگی و نقاط مختلف جهان رخت بربندد. قدرت های استعمارگر در صدد این هستند تا با مسخ کردن زبان عربی، تضعیف ساختار آن، نقض هویت، جذب فرهنگی و جایگزین سازی فرهنگ خود بتوانند ملت عرب را بهتر بشناسند تا این موضوع مقدمه ای بر نابودی آسان هویت و اندیشه و فرهنگ عربی باشد. در حقیقت استعمارگران می خواهند نابودی حریم خصوصی عرب زبانان آن ها را به بند درآورند و حیل ها و رن ها ی استعمارگری هرروز فقط متنوع تر می شوند و در پوستین دیگری ظهور می کنند. در نهایت هدف عاملان آن ها یکسان است. این کتاب را با هدف روشنگری نسبت به این موضوع و تصحیح حقایق تحریف شده تالیف کردم تا شاید به لطف خداوند وسیله آن برخی از غافلان را آگاه سازد و افرادی را که در جهل و ابهام و سرگمائی به سر می برند هدایت کند. سخن پیامبر اکرم (ص) که می فرمایند: «اگر هریک از شما نهالی در دست داشت و قیامت شد ابتدا نهال را بکارد.» شعله امید را در من برافروخت و باعث شد تا انگیزه بیشتری برای کار داشته باشم و از ناامیدی دیر شوم. امیدوارم که در نهایت به لطف خداوند شاهد به ثمر نشستن این اثر علمی باشم. در این کتاب به مسائلی از جمله مسئله چالش های هویتی پان عربیسم، به بحث و به بحث چالش های زبانی آن اکتفا نکردم؛ چرا که آسیب به هر یک از آن ها می تواند آسیب به تمدن و ملت عرب باشد که این موضوع فراتر از بحث زبان خواهد بود. باید این را هم در نظر گرفت که یک زبان چیزی جز اهل آن نیست و هرگونه آسیب به زبان می تواند آسیب به اهل و گویشوران آن باشد. این موضوع تجلی بارز مسئله هویت در زبان است و عده زیادی از مردم هنوز هم چنین رابطه ای را نمی شناسند.

جلد نخست را «زبان به مثابه هویت» نامیدم و معنای این رابطه و الزامات درک آن را با توجه به عنایت ملت های آگاه و بیدار به زبان خود و تلاش آن ها

برای ارتقا و حفاظت از آن تبیین نمودم. همچنین رابطه ملت عرب با زبان عربی را بررسی کردم و پی بردم که سایر ملت ها در زمینه حفاظت از زبان و اهتمام به آن بسیار پیشرفته تر هستند. تبیین رابطه میان زبان و هویت به این شیوه با هدف بیان خطرات و چالش هایی است که برای زبان عربی رخ می دهد و غایتی جز نابودی هویت عرب ندارند؛ چرا که در پی نابودی هویت، حریم خصوصی و اراده یک ملت هم از بین خواهد رفت و آن ها تحت سیطره دشمن تبدیل به یک بازیچه می شوند. همچنین باید در نظر گرفت که اهتمام یک ملت به حریم خصوصیات بنای اصلی حس تمایز و اشتیاق به بقا و در نتیجه مقابله با حس دنباله رور و دانش فرهنگی را شکل می دهد. زمانی که حریم خصوصی نابود شود چنین حس ها به تبع آن از بین می رود و گرایش به مشابهت فرهنگی جایگزین آن می شود. بدین معنا که فرهنگ مغلوب علاقه شدیدی به ادغام با فرهنگ غالب دارد تا به بطنش کمالگرایی خود پایان دهد و احساس نقص درونی خود را جبران کند. جند دوم «زبان، نوآوری و آموزش» نامیدم و تبیین کردم که چگونه زبان مادری برای انتقال بحیثیت دارد و می تواند بابتی برای فهم علوم مختلف باشد و بقیه زبان ها توسط چنین پارامتری اندازه گیری و ارزیابی می شوند. بنابراین مدعی هستیم که فهم مناسب تخصصی گوناگون به زبانی غیر از زبان مادری تا زمانی که ترجمه نشود دشوار است. همچنین نوآوری به یک زبان جدید امری بسیار پیچیده بوده و دلیل عمده اش این است که نوآوری نیازمند درک و فهم علوم مختلف به شیوه ای است که انگار بر آغاز مالک آن علم بوده ایم، به طوری که آن دانش تبدیل به بخشی از اندیشه و خیال و احساس بشر شود. اما در واقع فهم عمیق چنین دانش هایی تنها با زبان مادری امکان پذیر است و بررسی اش به سایر زبان ها نوعی مانع میان آن علم و فهم صحیح است. به همین جهت خیلی دشوار می توان به فضاهای عمیق آن دانش پی برد و تنها برخی کلیات از آن را می توان فرا گرفت. چنین دانشی به اعماق جان نفوذ نمی کند و فقط زبان مادری که ساختارش با عقل و احساس و تخیلات بشر منطبق است برای یادگیری مناسب خواهد بود. بنابراین شاید بتوان

جزئیات یک دانش را با زبانی غیر از زبان مادری درک کرد. در ادامه این کتاب به مشکلات کمبود آگاهی و دانش عرب زبانان و تقلید و ضعف تولید علمی آن‌ها پرداختم و دلایلی را که باعث شد برای جبران عقب ماندگی خود به یادگیری زبان های خارجه رو بیاورند بررسی کردم. آن‌ها در بسیاری از مواقع اموال و هزینه‌های گزاف و زمان زیادی را هدر دادند تا این زبان‌ها را بیاموزند؛ چون به زعم خود یادگیری دانش به زبان‌هایی غیر از زبان عربی لزوماً باعث پیشرفت آن‌ها می‌شد و دیدگاه و اندیشه آن‌ها نیز مانند ملتی می‌شد که به آن زبان صحبت می‌کردند. من هم در پژوهش‌ها و مطالعات میدانی و تجربه‌های شخصی‌ام بر زمینه آموزش به زبان‌های خارجه در جهان عرب به پیامدهای ناخوشایند آن اندازم کرده‌ام. همچنین تجربه ملل مختلف در یادگیری علوم به زبان مادری و پیشرفت‌های حاصل از آن و بومی سازی علوم از دیگر مطالبی است که در این کتاب ذکر شده است. مسئله ضعف دانشجویان عرب در خوانش متون به زبان‌های خارجه و ضعف استناد و عدم آشنایی آن‌ها با روش‌های مناسب تدریس از دیگر چالش‌های این زمینه است. تکیه بر جزوات درسی مختصر که هیچ بینش جدید و پیشرفتی برای دانشجویان ایجاد نمی‌کند و یک زبان ناهمگون و بی‌انسجام می‌آموزند که به زبان خارجه یا عربی فصیح و عامیانه فاصله زیادی دارد. هدف از تالیف جلد دوم بیان این نکته است که آینده علمی و تمدنی عرب در گرو فرایند عربی سازی است و این فرایند جدیدی که از صد سال پیش به سمت استعمال آن عادت کرده‌اند هرگز آینده روشنی نخواهند داشت و صرفاً باعث پسرفت آن‌ها شده است. در حقیقت باید گفت این کشورهای استعمارگر بودند که برای نخستین بار باعث ترویج زبان خود در سرزمین‌های عربی شدند و عرب‌ها سال‌های متوالی این زبان‌ها را آموختند. در نتیجه این وضعیت دوام پیدا کرد و کشورهای استعمارگر کار خود را به بهانه‌های مختلف توجیه می‌کردند اما هیچ‌گاه نمی‌توان چنین کاری را بر خیرخواهی و آگاهی بخشی به ملل عرب حمل کرد.

کتاب سوم را «جنایت به هویت» نامیدم و اتهاماتی مانند عدم صلاحیت

هویت عربی و گذشت تاریخ انقضای آن برای یک علم و چالش های متعدد آن را بررسی کردم و قصد نداشتم که این موضوع یک پژوهش علمی محض باشد اما متأسفانه برخی افراد انتقادات نامعقولی نسبت به این هویت و زبان داشتند و مغرضانه خواهان کنار گذاشتن و جایگزین شدن آن با زبانی دیگر شدند. حقیقت انسانی زبان و مسئله سختی و آسانی آن از مباحثی است که در این کتاب بررسی می شود و پی خواهیم برد یک زبان حتی اگر دشوار باشد جایز نیست که با زبان دیگری جایگزین شود. به این دلیل که در جهان زبان هایی وجود دارد که از عربی دشوارتر هستند و نه تنها گویشوران آن هیچ گاه قصد تغییرش را نداشته اند بلکه آن را حتی برשמردند و سختی هایش را به جان خریدند و با آن سازگار شدند. در نتیجه توانستند به مقاصد و اهداف خود برسند. ضمن اینکه همه زبان ها این شایستگی را دارند تا تبدیل به زبان علم شوند و هر زبان بزرگی زمانی یک گویش ناچیز با محدوده جغرافیایی اندک بوده که هیچ ارتباطی به علم نداشته اما بعداً با غلبه ملتش و کوشش های مدام تبدیل به یک زبان قدرتمند شده است. اما قدمت یک زبان تا وقتی که نیاز به آن خود را برطرف می کند نمی تواند به معنای اتمام تاریخ انقضای آن باشد و ارتباط حیات زبان عربی و قدمت آن یکی ویژگی مثبت است؛ زیرا حال حاضر عرب را به گذشته و آینده آن ها پیوند داده و امکان بهره مندی از میراث قدیم و جدید را برایشان فراهم کرده است. در حالی که ملت های زیادی وجود دارند که میراث مکتوب آن ها در قرون متوالی دچار تغییر و تحولات زیادی شده است و باید آن ها را به زبان حال حاضر خود ترجمه کنند تا بتوانند از آن بهره ببرند. در نتیجه هدف تالیف این کتاب ایجاد یک بینش و آگاهی علمی به واسطه حقیقت انسانی زبان با چشم پوشی از تبلیغات مغرضانه و جنایت در حق هویت با انگیزه های غیر علمی است. به این خاطر که معتقدم هم اکنون بزرگترین چالش پیش روی زبان عربی تحقیر و کوچک شمردن آن به وسیله گویشورانش است که استعمارگران این موضوع را در هر کشوری که به آن پا گذاشتند عملی کردند. آن ها بر این عقیده بودند که اگر یک ملت زبان و هویت خود را کوچک انگارد قطعاً دچار ضعف خواهد شد و عرب ها گمان می

کردند که زبان استعمارگران از زبان آن‌ها بهتر است و به این وسیله می‌توانند راحت‌تر به مقاصد خود دست پیدا کنند. در نتیجه جنایت و خیانت به زبان و هویت عربی یکی از پیامدهای این موضوع بود. اما در صورتی که یک ملت اعتماد به نفس خود را نسبت به زبانش بازیابد و بیماری‌ها و مشکلات و عقده‌های فرهنگی‌اش که توسط استعمارگران در اعماق وجودش ریشه دوانده حل شود، آنگاه مهبیای مقابله با سایر چالش‌هاست اما تا زمانی که از دام چنین مشکلاتی رهایی نیابد هیچ آمیدی به پذیرش تغییر و تحولات نخواهد داشت.

عنوان کتاب دوم را «نیرنگ هویت» نامیدم و به بررسی گوشه‌ای از ساز و کارهای خبیثه ی هویتی پرداختم. دولت‌های دست‌نشانده جهان عرب و اینکه چگونه کشورهای اسلامی زبان عربی را از عرصه زندگی ملل عرب زبان خارج و زبان‌های خود را بیگانه‌تر از آن کردند از جمله این ساز و کارها است. حتی اعضای فرهنگستان‌های زبان عربی هم دستخوش تغییراتی شدند و در اصل بازیچه‌ای برای آسیب زدن به زبان عربی بودند تا به این وسیله هویت عربی نابود شود و این کشورها در نظام اداری خود از زبان‌های اروپایی استفاده کنند. حتی نویسندگان و ادیبان هم از سایر زبان‌ها استفاده می‌کردند و فرم و محتوای زبان و ادبیات را در هم شکستند. در نتیجه آن ارزش میراث و هویت خود را انکار کردند و به ارزش‌های فرهنگی استعمارگران تسکین جستند و برای ترویج ارزش‌ها و اصول غربی دست به دامان ادبیات شدند. سوال اینجاست که چگونه زبان عربی در زمینه‌های آموزشی با مکر و نیرنگ بیگانگان مواجه شده و خود تبدیل به وسیله‌ای برای منقرض کردن گویشورانش می‌گردد؟ یا حتی چگونه بیگانگان در جهان عرب با زبان خود بر عرب‌ها پیروز می‌شوند و آن‌ها را بر علیه زبان مادریشان می‌شورانند و وادارشان می‌کنند تا از زبان‌های بیگانه استفاده کنند که در نهایت عربی در مرتبه پایینتری نسبت به آن‌ها قرار بگیرد؟ در نتیجه چنین اقداماتی زمینه برای جایگزین کردن این زبان‌ها به جای زبان عربی فراهم می‌شود و زبانی ایجاد می‌شود که افراد دچار اختلاف سلیقه هم چنین زبانی را خواهند پذیرفت و بیگانگان از یکدیگر پیشی می‌گیرند تا زبان

خودشان را بر ملت عرب تحمیل کنند و اقشار مختلف جامعه به زودی استعمال آن را خواهند پذیرفت. با خلأ بازار کار از زبان عربی و آموزش زبان های خارجه، فرهنگی متفاوت را بر ملت عرب غالب می شود. به عبارتی دیگر بیگانگان خواهان آن هستند که زبان عربی را به وسیله سایر زبان های خارجه از عرصه وجود کنار بزنند. هدف نهایی از تالیف این جلد افزایش بینش خوانندگان نسبت به چالش های پیش روی زبان عربی و برانگیختن روحیه مقابله در آنان به وسیله اتخاذ روش های علمی و عدم استفاده از روش های ناکارآمد در این راستا است. این جلد با بیان دلایل نیرنگ هویتی به پایان می رسد که به طور مفصل در فصل هاء بحث آن بررسی خواهد شد و در نهایت به تلخیص برخی از مسائل خواهیم پرداخت.

عنوان کتاب پنج «هویت پس از یازده سپتامبر» است که یکی از سرنوشت سازترین برهه های تاریخ عرب به شمار می رود؛ زیرا کشورهای غربی به زبان و هویت عربی برای طرد آن از زوایای عرب ها حمله کردند. چنین واقعه ای جزء بزرگترین دستاویزهای استعماری امپراتوری تاریخ بوده است. اما قدرت نظامی و اقتصادی ایالات متحده امریکا و سنده اش بر جهان تأثیری شگرف بر ابزار جنگی قدیم گذاشت که در دوران استعمار کشورهای اروپایی وجود نداشت. این کشور پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، جهان اسلام را دشمن درجه یک خود قرار داد و چنین هدفی اقتضا می کرد که برای اروپایی، اندیشه و فرهنگ جوامع اسلامی همانطور بکوشد که برای نابودی شوروی تلاش کرد. امریکا تلاش می کرد که با بنای مجدد فرهنگ خود و نابودی حافظه تاریخی ملت های گوناگون مثل کاری که با سرخ پوستان کرد نوعی تحقیر و خود کم بینی در ملت های گوناگون نسبت به فرهنگ و زبانشان ایجاد کند. هدف آمریکا از این کار گرایش سایر کشورها و ملت ها و اقوام به فرهنگش بود که نیاز به پذیرش بالایی داشت. به عنوان مثال سرخ پوستان در زمان اشغال سرزمین مادری و ژاپنی ها پس از جنگ جهانی دوم سلطه آمریکا را پذیرفتند. امریکا سپس با گسترش زبان انگلیسی از طریق ساخت مدارس و دانشگاه های مختلف در جهان

عرب و تاسیس شعبه های دانشگاه های خارجی در کشورهای عربی به سمت جهانی سازی آموزش گام برداشت. تغییر ارزش ها، آسان سازی اجرای طرح موسوم به «خاور میانه بزرگ»، جایگزین کردن زبان انگلیسی به جای عربی در زندگی روزمره، تغییر روش های آموزشی با حذف متدهای مفید آموزشی با هدف منفور کردن زبان عربی، ارتباط دادن زبان عربی به تروریسم، ایجاد ترس برای دولت ها نسبت به زبان و هویت عربی، تحریک غیر عرب ها برای مخالفت با زبان و هویت عربی، مطالبه برای تغییر قانون اساسی و ترویج زبان عامیانه به جای فصیح و اجبار دولت های عرب برای اعطای مجوز به شبکه های رادیویی و تلویزیونی عرب به زبان عامیانه همگی جزء اقدامات امریکا و غرب طی سال های اخیر برای اسامه بن لادن جدید بوده است.

کتاب ششم موسوم به «مسخ هویت» با محوریت بررسی تغییرات آسیب زننده به ساختار و محتوای زبان عربی در عصر حاضر با تقلید از زبان های اروپایی تالیف شد. در یکی از مداخلات های این کتاب رابطه زبان با گویشوران و سپس غلبه واژگان دخیل در سخنان دانشمندان و فرهیختگان را بررسی کردم و پی بردم که این مسئله ریشه در رفتار و تمدن، فرهنگ و علنی سازی آن در زندگی روزمره دارد. دلایل پیدایش خط عربی و ریان های آن برای زبان عربی، مهجوریت فرهنگ نگاری و دلایل مدعیان نابود داشتن آن، تحول دلالت کلمات عربی به واسطه کلمات خارجی، مشکلات ناشی از تأثیرپذیری فکری و احساسی و تغییر سلاقی و تحول مرجع فرهنگی زبان عربی از دیگر مسائلی است که در این کتاب بررسی شده است. همچنین بحث ساختارشکنی واژگان و الگوهای زبان عربی و میل به سمت استفاده از الگوهای زبانی بیگانه که هیچ توجیهی ندارد هم در این کتاب مورد بحث و بررسی واقع شده است؛ به طوری که شاهد هستیم اشتقاق از نام های جامد به سبک زبان های انگلیسی و فرانسوی، استعمال روش واژه سازی موسوم به «نحت» و ایجاد واژگان عجیب و غریب و پیچیده از این روش که مخالف با اوزان عربی است امروزه به صورت گسترده در زبان عربی فراگیر شده است. نظام جمله بندی عربی هم از گزند

زبان‌های خارجه در امان نبوده و زبان انگلیسی و فرانسوی تأثیرات زیادی روی آن گذاشته اند. کمبود دانش زبان عربی، استعمال فراوان کلمات دارای مجاز، نفوذ عبارات آماده انگلیسی و فرانسوی

در قلم نویسندگان به صورت ترجمه تحت اللفظی و تقلید متن عربی از متون مکتوب سایر زبان ها جزء مهم ترین چالش های گریبانگیر زبان عربی است. اما یکی دیگر از مسائل مهمی که در کتاب مسخ هویت بررسی شد، دلیل تأثیر ناچیز فرایند ترجمه بر زبان عربی از سایر زبان ها طی دوره های قدیم و تأثیر شگرف آن بر وضعیت حال حاضر آن است که در عصر محمد علی پاشا آغاز شد و به وضعیت حال حاضر رسید. بحث زبان مردم مغرب عربی و مهم ترین ویژگی‌های آن که بر خداف عربی مشرق است بررسی گردید و به اختصار به بررسی زبان سه نویسنده مشهور این منطقه پرداختیم تا شفاف سازی کنیم که کمبود دانش زبانی عربی تا چه حد بر تأثیر پذیری ناشایست این افراد از زبان فرانسوی نقش داشته است. امیدوارم در آینده نزدیک بتوانم دو کتاب دیگر را به این مجموعه اضافه کنم که عنوان آن ها «نبرد زبان در مغرب عربی» و «سیاست های زبانی جهان عرب» است.

قصد دارم این دو کتاب را با تعمق و دقت بیشتری تالیف کنم و شاید عده ای گمان کنند که من به موضوعات دیگری گرایش می زنم اما این موضوع تعمدی است تا از برخی از حقایق ناشناخته یا فراموش شده برای خوانندگان عرب پرده بردارم. رابطه بعضی از موضوعات با هویت چنان محکم نیست و خوانندگان از آن اطلاعی ندارند یا جزء علایق آن ها نیست و شاید هم فراموشش کرده اند.

و در پایان از خداوند متعال خواهانم تا این کار علمی را خالص بداند و آن را به نیکی از من پذیرا باشد و مرا به آنچه که در پی اش بودم برساند.